

بررسی و تبیین مفهومی سبک زندگی خانواده از منظر اسلام

پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۳۰

دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

چکیده

محیط خانواد و زندگی در سیره مولای متقیان حضرت علی علیه السلام به عنوان مؤثرترین و کامل‌ترین الگو برای جوامع اسلامی است، الگویی که جهت‌ترسیم سبک زندگی اسلامی می‌باشد. نکته بسیار جالبی که در زندگی یا سیره حضرت علی علیه السلام وجود داشته، این است که حضرت در منزل کار می‌کردند؛ این مطلب امری ثابت شده است، تا آن‌جا که حضرت گندم آرد می‌کردند، بچه‌داری می‌کردند و... از نظر اسلام مهم‌ترین ارکان استحکام خانواده، مودت و رحمت میان زن و مرد است. مودت به معنای دوستی عاقلانه است، نه دوستی غریزی. رحمت نیز به معنای عشق و ایثار و مهربانی است. خانواده در اسلام، به عنوان نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی، محل شکل‌گیری پایه‌های شخصیتی و الگوهای رفتاری است. باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی در خانواده نهادینه می‌شوند. خانواده در الگوی زیست اسلامی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ به نحوی که محبوب‌ترین بنیان‌مورد علاقه اسلام نام برده شده است. در این تحقیق با تأکید بر خانواده و مسایل آن، به تبیین سبک زندگی خانواده از منظر اسلام پرداخته شد، و تبیین موضوع از زوایای مختلف قرآنی و روایی مورد بررسی قرار گرفت.

واژگان کلیدی: اسلام، خانواده، سبک زندگی

مقدمه

خانواده نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است، و محل شکل‌گیری پایه‌های شخصیتی و الگوهای رفتاری است. باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی در خانواده نهادینه می‌شوند؛ راه و رسم زندگی نیز در خانواده آموزش داده می‌شود. خانواده در الگوی زیست اسلامی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. محبوب‌ترین بنیان‌مورد علاقه اسلام است. اصالت خانوادگی، اخلاق، دین‌داری، کفویت، محبت و علاقه از مهم‌ترین شاخص‌های مورد قبول اسلام است؛ لذا سبک زندگی اسلامی، سعادت دنیا و آخرت را به صورت توأمان در بر دارد.

نگاهی گذرا به سیره امام علی علیه السلام در خانواده

زندگی و سیره مولای متقیان حضرت علی علیه السلام به عنوان مؤثرترین و کامل‌ترین الگو برای جوامع اسلامی است. جهت تبیین این گزاره، برخی از ویژگی‌های سبک زندگی علوی بیان می‌شود.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در زندگی مشترک، نکاتی رعایت می‌کردند که مورد آرامش حضرت زهرا علیها السلام بود: اولاً در حد کفاف زحمت می‌کشیدند، و تلاش می‌کردند آسایش حضرت را در آن حدی که در توانشان بود، فراهم کنند. این وظیفه مرد است، که دین‌مبین برای او مشخص کرده و بر اساس فقه شیعه، مرد باید در شأن همسرش همه نیازهای مادی‌اش را تأمین کند، و هم‌چنین از نظر تأمین ارتباطات عاطفی که امروزه در زندگی مشترک خیلی مهم است.

حضرت علی علیه السلام از نظر ارتباطات عاطفی بسیار به حضرت زهرا علیها السلام توجه داشتند، و از تعبیر زیبایی استفاده می‌کردند:

«نَفْسِي لَكَ الْفِدَاءُ»؛ «حَبِيبَتِي الزَّهْرَاءُ»؛ «بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ».

حضرت زهرا علیها السلام نیز در پاسخ می فرمودند:
 «رُوحِي لِرُوحِكَ الْفِدَاءُ»؛ «أَبُو تُرَابٍ»؛ «أَبَا الْحَسَنِ»^۱.
 حضرت علی علیه السلام در تعبیری می فرمایند:

«إِنَّا كُنَّا كَزَوْجِ حَمَامَةٍ فِي أَيْكَةِ»^۲؛ من و زهرا مثل دو کبوتر عاشق در لانه‌ای بودیم. این تعابیر بلند نشان می دهد ارتباطات عاطفی عمیقی میان آن بزرگواران وجود داشته است.
 نکته بسیار جالبی که در زندگی یا سیره امیرالمؤمنین علی علیه السلام وجود داشته است، این که حضرت در منزل کار می کردند؛ به عنوان مثال گندم آرد می کردند، بچه داری می کردند.

امام صادق علیه السلام در این خصوص فرمودند:

«كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يَحْتَطِبُ وَيَسْتَقِي وَيَكْنُسُ وَكَانَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام تَطْحَنُ وَتَعْجِنُ وَتَخْبِزُ»^۳؛ امیرالمؤمنین علیه السلام هیزم تهیه می کرد، و از چاه آب برای منزل می آورد، و جارو می کرد؛ و حضرت فاطمه علیها السلام نیز گندم را آرد می نمود، و خمیر می کرد، و نان می پخت.

از امام علی علیه السلام نقل شده است:

«فَوَاللَّهِ مَا أَغْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَيَّ أَمْرٍ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصَتْ لِي أَمْرًا وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنَكَّشِفُ عَنِّي الْهُمُومُ وَالْأَحْزَانُ»^۴؛

۱- برگرفته از تارنمای شیعه نیوز.

۲- دیوان اشعار منسوب به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۸۳، ص. ۱۵.

۳- قمی، ۱۳۵۹، ج ۲، ص. ۱۹۵.

۴- اربلی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص. ۳۶۳.

به خدا سوگند هیچ‌گاه فاطمه را به خشم نیاوردم، و او را بر کاری-
که میل نداشت- وادار نکردم تا روزی که خداوند او را برد، و او نیز
هیچ‌گاه مرا به خشم نیاورد، و از فرمان من سرپیچی نکرد، و هرگاه
که به او می‌نگریستم، نگرانی‌ها و غم‌ها از من زدوده می‌شد.

نکته قابل توجه این است، که آن توجه و ظرافت زنانه حضرت زهرا علیها السلام از
سوی حضرت علی علیه السلام رعایت می‌شد؛ اما پیروان حضرت علی علیه السلام باید بدانند
که واقعاً حضرت وقتی یک چیزی می‌فرمودند، اعتقاد قلبی خودشان هم بوده
است، این‌گونه نبوده است که مطلبی را بیان کنند و خود عمل نکنند؛ به عنوان
مثال ایشان فرموده‌اند:

«إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَكَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»؛ زن گلی است ظریف نه
خادم و کارپرداز.

معنای حقیقی این جمله در زندگی عملی امیرالمؤمنین علیه السلام با حضرت زهرا علیها السلام
جاری شد؛ چرا که با حضرت مثل ریحانه (یک گل لطیف) برخورد می‌کردند.
حضرت علی علیه السلام هرگز بر همسر گرمی‌شان پرخاشگری نمی‌کردند؛ زور،
قلدری و سلطه هرگز در سبک زندگی علوی جایی نداشته است، و
برخوردشان فوق‌العاده لطیف بوده است. این‌ها درس‌هایی است که باید از
سبک زندگی اسلامی ائمه علیهم السلام و به طور خاص از حضرت علی علیه السلام گرفت.

تعریف خانواده در قرآن

از نظر اسلام مهم‌ترین ارکان استحکام خانواده، مودت و رحمت میان زن و
مرد است.

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ
بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ و از
نشانه‌های او این‌که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در
کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان محبت و رحمت قرار داد. به
یقین در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.

مودت به معنای دوستی عاقلانه است نه دوستی غریزی؛ و رحمت به
معنای گذشت مهربانانه از لغزش‌ها و کوتاهی‌های یکدیگر است.
اگر تشکیل خانواده بر پایه دوستی‌های غریزی باشد، دیر یا زود چنین دوستی
و مودتی فروکش خواهد کرد، و آرام آرام روابط زناشویی به سردی می‌گراید.
علاوه بر این، تصمیم‌هایی که بر اساس غریزه است، تصمیم‌های آگاهانه و
انتخاب‌های عاقلانه‌ای نیستند. به همین دلیل، خیلی زود با مشاهده موارد دیگری
برای ارضای غریزه، ممکن است نسبت به همسر خود بی‌رغبت شود؛ اما
دوستی‌هایی که با انتخاب آگاهانه و تصمیمی عاقلانه آغاز می‌شود، هر چه بر
مدت آن بگذرد، بر استحکام آن افزوده می‌شود؛ زیرا با افزایش سن و با گذشت
زمان، تجارب زن و مرد افزوده‌تر می‌شود، و عقل آن‌ها قوام بیشتری می‌یابد. لذا
فضایی صمیمی‌تر و مهربان‌تر را در کانون خانواده شکل خواهند داد.
هم‌چنین خانواده‌ای که اختلاف در آن رخ ندهد- ولو در سطح اختلافات
سلیقه‌ای- وجود ندارد. آنچه مهم است، فراگیری مهارت حل اختلافات است.
اگر خانواده بر پایه مودت شکل گرفته باشد، اختلافات نیز بر پایه رحمت
رفع خواهند شد.

توصیه اسلام همین است، که به هنگام اختلافات و در برابر لغزش‌های طرف مقابل، از سر رحمت برخوردار کنید؛ یعنی با مهربانی و رأفت اسلامی، از لغزش‌های یکدیگر بگذرید.

مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده همین که فرد تشکیل خانواده می‌دهد. در حقیقت از حالت فردی خود را خارج می‌کند، و مسئولیتی اجتماعی می‌پذیرد، و خود را در قبال افراد دیگر مسئول می‌کند. به تعبیر دیگر، از حالت من بودن در آمده، و به اقتضائات و شرایط ما بودن تن می‌دهد.

مهم‌ترین مسئولیت خانوادگی یک مسلمان، مواظبت بر ایمان اعضای خانواده است. قرآن کریم در این رابطه تأکید می‌کند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها هستند، نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده، که خشن و سخت‌گیر هستند، و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند، و آنچه را فرمان داده شده‌اند، اجرا می‌نمایند.

بنابراین مسئولیت‌پذیری در قبال سایر اعضای خانواده، اقتضا می‌کند که در حمایت‌های مادی و معنوی از آنان، و دلسوزی و مراقبت از آنان، دریغ نکنیم.

اهمیت مدارا در خانواده

دین مبین اسلام، اولاً برای آن‌که از وقوع خشونت و سخت‌گیری جلوگیری نماید، و ثانیاً در صورت وقوع، راه‌کاری منصفانه و عادلانه ارائه دهد- برای هر یک از اعضای خانواده در قبال سایر اعضا- حقوق و وظایفی معین کرده است: حقوق مشترک میان همسران، حقوق اختصاصی زن و مرد، حقوق متقابل میان والدین، و حقوق فرزندان.

در یک خانواده اسلامی، این حقوق و وظایف به خوبی رعایت می‌شوند. عدم رعایت این حقوق و عدم انجام آن وظایف، به طور قطع کارکردهای اخلاقی و اجتماعی خانواده را تضعیف می‌کند، و خانواده را فاقد کارآمدی لازم می‌نماید.

کمترین فایده و ثمره رعایت حقوق متقابل میان اعضای خانواده، این است که روابط خانوادگی را به درستی و به صورت عادلانه تنظیم می‌کند. یکی از شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی در محیط خانواده، اصالت دادن به عواطف متقابل میان همسران، و به طور کلی همه اعضای خانواده نسبت به یکدیگر است.

خانواده اسلامی خانواده‌ای است که محل امنیت و آرامش و سکون است. اضطراب و تشویش و بی‌اعتمادی در آن جایی ندارد. اصولاً یکی از اهداف اصلی توصیه اسلام به تشکیل خانواده، پاسخ به همین دغدغه است. اسلام می‌خواهد با تشکیل خانواده محلی برای سکونت و آرامش زن و مرد، و سایر اعضای خانواده باشد.

خانواده به مثابه مهم‌ترین نهاد اجتماعی

خانواده نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است، محل شکل‌گیری پایه‌های شخصیتی و الگوهای رفتاری است. باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی در خانواده نهادینه می‌شوند، و همچنین راه و رسم زندگی در خانواده آموزش داده می‌شود.

خانواده در الگوی زیست اسلامی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، تا جایی که محبوب‌ترین بنیان مورد علاقه اسلام است. اصالت خانوادگی، اخلاق، دین‌داری، کفویت، محبت و علاقه، از مهم‌ترین شاخص‌های مورد قبول اسلام به شمار می‌روند.

نظر به اهمیت مبحث خانواده، در ادامه به بررسی ویژگی اصالت خانوادگی پرداخته می‌شود.

أ. اصالت خانوادگی

این اصل، یکی از اصول مهم در انتخاب همسر است. تأکید زیادی بر اصالت خانوادگی، دین‌داری و آراستگی به فضایل اخلاقی در دین اسلام شده است. اولیای دین از تکیه بر معیارهای صرفاً مادی و ظاهری در انتخاب همسر به شدت پرهیز داده‌اند.

در تعالیم اسلامی توصیه‌های فراوانی برای تقویت محبت در میان اعضای خانواده شده است. در عین حال، ارزش عواطف متقابل در میان اعضای خانواده تا جایی است، که در مسیر رضایت الهی باشد.

از نگاه اسلام در روابط خانوادگی، اصالت با همدلی تمامی اعضا است. در عین حال، برای حل اختلافات احتمالی، حقوق متقابلی میان اعضای خانواده در نظر گرفته شده است، که در صورت وقوع اختلاف می‌توان به عنوان راه‌کاری منصفانه و عادلانه بر آن‌ها تکیه کرد.

در تعالیم قرآنی برای حل اختلافات احتمالی میان همسران و صیانت از حریم خانواده، راهکارهایی بیان شده است، که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

ب. راهکارهای صیانت از حریم خانواده

- ۱- مشاوره و همفکری میان همسران؛
 - ۲- معرفی مرد به عنوان سرپرست خانواده؛
 - ۳- اصل صلح و سازش؛ در شرایطی که پافشاری بر حقوق شرعی و قانونی موجب از هم گسیختگی کانون خانواده می‌شود، اسلام همسران را به سازش و انعطاف توصیه می‌کند؛
 - ۴- استفاده از تجربیات افراد خیرخواه؛
 - ۵- خانواده تراز اسلامی؛ خانواده‌ای که اعضای آن با یکدیگر روابطی محبت‌آمیز داشته باشند.
- اسلام برای روابط محبت‌آمیز میان اعضای خانواده اجر و پاداش اخروی نیز قرار داده است؛ البته روابط محبت‌آمیز لازم است همراه با عدالت باشد.
- ۶- آخرین راه حل مورد تأیید اسلام، طلاق و جدایی عادلانه است؛ البته از نظر اسلام، طلاق راه‌کاری می‌غوض و منفور است، و تنها در شرایطی خاص تجویز شده است که به هیچ وجه ادامه زندگی خانوادگی ممکن نباشد.
 - ۷- اکرام والدین و تلاش در جهت تأمین نیازهای‌شان؛ از اموری است که اسلام بر آن تأکید دارد. خدمت به والدین وسیله دستیابی به بهشت معرفی شده است.
 - ۸- عدالت اقتضا می‌کند به همان اندازه که والدین بر ما حق دارند، ما نیز آن را جبران کنیم. در حالی که هرگز نمی‌توان حق هستی‌بخشی آنان را جبران نمود. به همین جهت، اسلام احسان به والدین را توصیه کرده، و آن را در ردیف توحید قرار داده است. در عین حال، در جایی که خواسته‌های آنان خلاف

رضایت الهی باشد- در عین احترام و تکریم‌شان- نباید به چنان خواسته‌هایی تن داد.

حقوق متقابل زن و شوهر

أ. حق زن بر شوهر

اولین حق زن، مهریه است.

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا»^۱؛ و مهریه زنان را با رضایت و طیب خاطر به آنان بپردازید؛ پس اگر چیزی از مهر خود را از روی رضا و رغبت به شما بخشیدند، پس از آن بهره‌مند شوید، که شما را حلال و گوارا است.

مطابق با نص قرآن کریم، مهریه فقط حق خود زن است نه حق خانواده او، لذا مهریه وامی بر گردن شوهر است، که باید آن را به زن پرداخت نماید. این‌که برخی مهریه را مربوط به زمان طلاق می‌دانند، تلقی اشتباهی است؛ حتی اگر طلاقی نیز نباشد، باید مهریه پرداخت شود؛ در غیر این صورت شوهر باید روز قیامت جواب‌گوی این حق باشد، مگر این‌که زن با رضایت خودش و نه از روی اجبار، این حق را برای او ببخشد. پرداخت نفقه زن، حقی دیگر است که زن بر شوهر دارد، و در حکم مخارج زندگی است؛ یعنی تهیه غذا، لباس، مسکن و مداوای همسر- بر اساس عرف و در حد توان- بر عهده شوهر است.

۱- نساء، ۴.

دلیل وجوب نفقه، قول خداوند است، که می‌فرماید:

«وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ

إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا»؛ و روزی و لباس آن‌ها به نحو

متعارف بر عهده کسی است، که طفل از آن اوست (پدر). هیچ

کس جز به مقدار توانش مکلف نمی‌شود.

ب. حق شوهر بر زن

از جمله حقوق شوهر بر زن، معاشرت صحیح و رفتار نیکو است. خداوند

متعال می‌فرماید:

«وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا

وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»؛ و با آنان به نیکی معاشرت کنید، و

اگر از آن‌ها کراهت دارید (باز هم با آنان بسازید)؛ بسا هست که

شما چیزی را مکروه دارید، و خدا در آن خیر فراوانی قرار می-

دهد.

مطابق با نص قرآن کریم، رفتار با همسر باید معروف باشد؛ معروف آن

چیزی است، که مردم آن را به خوبی می‌شناسند، و ضد آن کارها و رفتارها،

ناپسند است.

به عبارت دیگر، رفتار به معروف؛ یعنی با زنان‌تان خوش‌رفتاری کنید، و در

کردار و گفتار خود، نهایت احترام را نسبت به همسر مراعات کنید.

معاشرت نیک و رفتار پسندیده با زن، دارای ابعاد متنوعی است، که یکی از

مصادیق آن، نفقه همسر است، که شوهر به اندازه تواناییش از زن دریغ نکند.

۱- بقره، ۲۳۳.

۲- نساء، ۱۹.

زنی خدمت حضرت رسول اکرم ﷺ آمد، و سؤال کرد: حق شوهر بر زن چیست؟
حضرت فرمود:

زیادتر از آن است، که بتوان گفت. از جمله حق‌ها آن است، که
روزه مستحبی بی‌اجازه او نگیرد، و از خانه بی‌اجازه او بیرون
نرود، و به نیکوترین بویا خودش را خوشبو کند، و نیکوترین
جامه‌های خود را بپوشد، و به بهترین زینت‌ها خود را بیاراید، و
هر بامداد و شام خود را بر او عرضه کند.^۱

حضرت در حدیثی دیگر فرمودند:

هیچ چیز بی‌اجازه او به کسی ندهد، و اگر بدهد گناهِش برای زن
است، و ثوابش برای شوهر، و هیچ شب نخوابد که شوهر از او
خشمناک باشد.

زن گفت: هر چند شوهر بر او ظلم کرده باشد؟^۲
حضرت فرمود: بلی.

در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است:

زنی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله! حق شوهر
بر زن چیست؟
حضرت فرمود: لازم است که اطاعت شوهر نماید، و نافرمانی
او را انجام ندهد، و از خانه او بی‌رخصت او صدقه ندهد، و
روزه مستحبی بی‌اجازه او نگیرد، و هر وقت اراده نزدیکی او
کند، مضایقه نکند؛ هر چند بر پشت پالان شتر باشد. از خانه او
بی‌رخصت بیرون نرود، که اگر بدون اجازه او بیرون برود،

۱- رساله خوشبختی، ج ۱، صص. ۱۱۶-۱۱۷.

۲- همان.

ملائکه آسمان و زمین و ملائکه غضب و ملائکه رحمت، همگی او را لعنت کنند تا به خانه برگردد.

گفت: یا رسول الله! حق چه کسی بر مرد از همه بیشتر است؟

حضرت فرمود: پدر و مادر.

زن گفت: حق چه کسی بر زن از همه بیشتر است؟

حضرت فرمود: شوهر.

زن پرسید: من بر شوهر آن قدر حق ندارم که او بر من دارد؟

حضرت فرمود: از صد تا یکی نه.^۱

ج. حقوق متقابل

مرد باید به بهترین شیوه با همسرش رفتار کند، و رفتارش شایسته و آکنده از محبت و عشق باشد. با برخوردی آرام و سنجیده، سخن و کلام شیرین و لطیف، گشاده رویی، و شاد نمودن همسر با شوخی و سرگرمی‌های مفید و مباح، و اختصاص دادن لحظاتی از وقتش برای شوخی و نشاط با همسرش، می‌تواند کانون خانواده را گرم‌تر، و حقوق زن را رعایت نماید.

ناگفته نماند، مرد نباید در شوخی با همسر از حد اعتدال خارج شود؛ فقط در حدی باید باشد که شخصیت و مردانگی او از نگاه زن ساقط نشود، که در آن صورت مجبور است به تمایلات زن تن دهد؛ زیرا رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«تَعَسَّ عِبْدُ الزَّوْجَةِ»؛ بدبخت است کسی که ذلیل و برده همسرش باشد.^۲

۱- رساله خوشبختی، ج ۱، صص. ۱۱۶-۱۱۷.

۲- عجلونی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص. ۵.

مرد باید نسبت به همسرش عفو و گذشت داشته باشد. ضعف و کوتاهی که در زندگی به طور عمومی وجود دارد؛ و یا ممکن است برخی از کارهای همسر، مورد پسند مرد نباشد، که نباید بر او سخت بگیرد. رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید:

نباید مرد مؤمن نسبت به زن مؤمنه‌اش بغض و کینه داشته باشد. اگر یکی از رفتارش را نپسندد، رفتارش دیگرش را خواهد پسندید.^۱

شوهر باید با پوشش و لباس مناسب و آرایش نیکو، وضعیت ظاهر خودش را برای همسرش آراسته نماید، هم‌چنان‌که همسرش خود را برای او زینت داده، و می‌آراید؛ و همین‌طور استفاده از خوشبویی، سنت نبوی ﷺ است. تمیزی و خوشبویی ریسمان عشق و محبت زناشویی را محکم‌تر می‌کند. ابن عباس روزی جلوی آئینه برای اصلاح سر و صورت خود ایستاده بود، از او در این مورد سؤال شد که چرا این همه به خودت می‌رسی؟ گفت: مگر همسرم خود را برای خوشحال کردن من آرایش نمی‌کند؟ پس او هم بر من حق دارد، که مرا تمیز و مرتب ببیند.

از آن‌جایی که آراسته کردن وضع ظاهر برای زن، حق اوست؛ پس بر آورده کردن تمایلات جنسی او به صورت ضرورت و نیاز نیز حق اوست. خداوند در این باره می‌فرماید:

«نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاَتُوا حَرْثَكُمْ اَنِي شَيْئُمْ وَقَدِمُوا

لِاَنْفُسِكُمْ»؛ زنان شما کشتزار شما هستند، پس از هر جا که خواهید به کشتزار خود آید، و آن‌ها را برای خودتان مقدم دارید.

۱- صحیح مسلم.

از دیگر حقوق زن، آن است که شوهر در کارهای منزل هر چه از دستش برآید، کمک کند؛ مخصوصاً زمانی که زن مریض و رنجور باشد، یا کسالتی داشته باشد که انجام کارهای منزل باعث زحمت و اذیت وی شود.

رفتار رسول خدا ﷺ با همسرانش این‌گونه بوده است. از عایشه پرسیدند: رسول الله ﷺ در منزل چه کارهایی را انجام می‌داد؟ چنین گفت:

در انجام کارها به افراد خانواده کمک می‌کرد، اشیا را جابجا می‌فرمود، گاهی اوقات خانه را جارو می‌زد، گوشت را قطعه قطعه می‌کرد، گوسفندان را می‌دوشید، و کفشش را وصله می‌زد؛ پس هر گاه وقت نماز فرا می‌رسید، به نماز می‌ایستاد.^۲

از دیگر حقوق زنان، این‌که شوهر نباید اسرار همسرش را فاش کند. این‌جا، اسراری مدنظر است که مخصوص زن و شوهر است؛ لذا شوهر نباید به هیچ وجه از این مسایل خصوصی پیش دیگران سخن بگوید.

مسلم از پیامبر رحمت ﷺ چنین روایت می‌کند:

«إِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّجُلُ يُفْضِي إِلَى

أَمْرَاتِهِ وَتُفْضِي إِلَيْهِ ثُمَّ يَنْشُرُ سِرَّهَا»^۳؛ بدترین انسان‌ها از لحاظ

ارزش و منزلت در روز قیامت، مرد و زنی هستند که اسرار

زنانشویی را فاش می‌سازند.

زنی خدمت حضرت رسول ﷺ آمد، و سؤال کرد: حق شوهر بر زن چیست؟

۱- بقره، ۲۲۳.

۲- صحیح بخاری.

۳- ترضای، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۸۶.

حضرت فرمود:

زیادتر از آن است که بتوان گفت. از جمله حق‌ها آن است که روزه مستحبی بی‌اجازه او نگیرد، و از خانه بی‌اجازه او بیرون نرود، و به نیکوترین بویها خودش را خوشبو کند، و نیکوترین جامه‌های خود را بپوشد، و به بهترین زینت‌ها خود را بیاراید، و هر بامداد و شام خود را بر او عرضه کند.

د. تمکین عام و خاص

- تمکین عام:

عبارت است از حسن معاشرت زن با شوهر خود. به بیان دیگر، اطاعت زن از شوهر، در امور مربوط به زناشویی است.

حسن معاشرت عبارت است از اطاعت زن از شوهر، و خوش‌رفتاری و خوش‌رویی زن نسبت به او، رعایت نظافت و آرایش خود برای شوهر- آن- گونه که مقتضای زمان و مکان و موقعیت خانوادگی آنان است- و خارج نشدن از منزلی که شوهر معین نموده، و یا طبق حق مکانی که به زن داده شده، آن را انتخاب کرده است.

بنابراین رفتن زن به خانه خویشاوندان خود- هر چند پدر، مادر و یا اولاد او باشند- احتیاج به اجازه شوهر دارد. هم‌چنین مراوده با اشخاص دیگر، مشمول همین قاعده است، که به صراحت در قانون مدنی نیز به آن تصریح شده است.^۱

۱- ماده ۱۱۰۸: هر گاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود.

- تمکین خاص:

عبارت است از نزدیکی جنسی با شوهر، که زن باید همیشه آمادگی لازم را برای این کار داشته باشد، مگر آن‌که بیمار باشد، که نزدیکی موجب زیان او گردد، و یا مانع شرعی داشته باشد.

در غیر این صورت عدم ایفای این وظایف - چه تمکین عام و چه تمکین خاص - موجب اسقاط نفقه او خواهد بود.

وظایف فرزندان نسبت به والدین

فرزندان در مقابل والدین خود، وظایف و مسئولیت‌های مختلفی دارند، که به دو نمونه از آن‌ها به طور اجمال اشاره می‌شود:

أ. احسان و نیکی به والدین

احسان و نیکی به والدین، از عظمت خاصی برخوردار است. خداوند منان، احسان و نیکی به والدین و رفتار محبت‌آمیز فرزندان با آن‌ها را در چهار مورد در کنار توحید و عبادت خود ذکر نموده است:

- «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۱؛ جز خدا را نپرستید، و به پدر و

- «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۲؛ و خدا را

پرستید، و چیزی را شریک او قرار ندهید، و به پدر و مادر نیکی کنید.

- «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۳؛ و پروردگار تو

مقرر کرد، که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر احسان کنید.

۱- بقره، ۸۳

۲- نساء، ۳۶

۳- اسراء، ۲۳

- «الَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»؛ چیزی را شریک او قرار مدهید، و به پدر و مادر نیکی کنید.

از آیات شریفه استفاده می‌شود، که تعظیم و احترام والدین، لازم و واجب است، هر چند کافر باشند؛ زیرا کلمه «بالوالدین» مطابق است، و مقید به مؤمن بودن نشده است.

در همین ارتباط، نبی مکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام تعابیر بسیار زیادی دارند، که به سه نمونه از آنها اشاره می‌شود:

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند:

خرسندی خداوند در گرو خرسندی پدر و مادر است، و خشم خدا در گرو خشم آنان است.^۲

امام علی علیه‌السلام درباره نیکی به والدین می‌فرماید:

به پدرانتان نیکی کنید تا فرزندانتان به شما نیکی کنند.^۳

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

سه چیز است که همیشه باید آنها را انجام داد: یکی از آنها نیکی به پدر و مادر است؛ چه نیکوکار باشند چه بدکار باشند.^۴

بنابراین احسان و نیکی به پدر و مادر؛ یعنی همواره خالصانه، ایثارگرانه، صبورانه و متواضعانه و با چهره گشاده و سخاوتمندانه با ایشان رفتار شود، و حوایج و نیازهای آنها مورد توجه قرار گیرد.

۱- انعام، ۱۵۱.

۲- محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص. ۱۷۶.

۳- همان، ص. ۱۷۸.

۴- محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص. ۱۷۹.

ب. نهایت احترام به والدین

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ
عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا
وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا * وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ
وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»؛

و پروردگارت حکم قطعی کرد که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید. حال اگر در نزد تو یکی از آن دو یا هر دو به کهنسالی رسند، به آنان اف مگو، و بر آنها فریاد زن، و سخن درشت نگو، و با آنان سخنی کریمانه بگو. و از روی مهربانی در برابر آنها بال‌های خضوع و ذلت فرود آر، و بگو: پروردگارا هر دو را رحمت کن، به پاس آن‌که مرا در خردی تربیت کردند.

در این دو آیه خداوند رحمان و رحیم، لزوم نهایت احترام و تکریم والدین را در قالب چهار امر و دو نهی یادآور شده است.

یکی از وظایف انسان، شکر منعم (نعمت دهنده) است، و منعم حقیقی خداوند متعال است، که باید او را عبادت کرد. سر این‌که خداوند سبحان، احسان به والدین را بعد از عبادت خود ذکر کرده، آن است که بفهماند پدر و مادر نیز به انسان احسان کرده‌اند؛ پس شکر آن نیز لازم است.

امام رضا علیه السلام می فرمایند:

خدای عزوجلّ فرمان به سپاس‌گزاری از خود و پدر و مادر را داده است؛ پس هر کس از پدر و مادرش تشکر و سپاس‌گزاری نکند، شکر خدا را به جا نیاورده است.^۱

بنابراین هیچ‌کس بعد از خداوند متعال - که همه نعمت‌ها از اوست - به انسان مانند والدین خدمت نکرده است. از این رو شکر آن‌ها و نیز احسان به ایشان، لازم است.

وظیفه والدین نسبت به فرزندان

۱- وظیفه مادر در شیر دادن به نوزاد تا دو سال

«وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ»^۲؛ مادران، فرزندان خود را تا دو سال تمام شیر بدهند.

۲- وجوب حفظ جان فرزند و حرمت کشتن او

«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا»^۳؛

از بیم تنگدستی فرزند خود را نکشید؛ ماییم که به آن‌ها و شما روزی می‌بخشیم؛ آری کشتن آن‌ها خطا و گناهی بزرگ است.

۳- تلاش برای نجات فرزندان از خطرهای جانی و اخلاقی

«وَتَادَى نوحُ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بَنِيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ»^۴؛

۱- مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۶۸.

۲- بقره، ۲۳۳.

۳- اسراء، ۳۱.

۴- هود، ۴۲.

آن کشتی ایشان را در میان موجی کوه‌آسا می‌برد، و نوح پسرش را که در کناری بود، بانگ زد: ای پسر! با من سوار شو و با کافران مباش.

در حالی که سیل همه جا را فرا گرفته بود، و حضرت نوح علیه السلام در کشتی نجات بود، یک لحظه از وضعیت فرزندش غافل نشد، و برای نجات جسم او از غرق شدن و جان او از کفر، خطاب به او آیه ذکر شده را بیان فرمود.

۴- مراقبت بر نماز خواندن فرزندان

- «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»؛ خانواده خود را به نماز فرمان ده، و خود بر آن شکیبا باش.

- «يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ»^۲؛ [لقمان به فرزندش گفت] پسر من نماز را به پا.

۵- اصلاح و رشد‌گرایی‌های اعتقادی فرزند با پند و اندرز

حضرت لقمان علیه السلام برای انجام وظایف اعتقادی خود در برابر فرزندش، نکات مهمی درباره توحید الهی و معاد برای او بیان می‌کند. از جمله می‌فرماید:

«وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ»^۳

هنگامی که لقمان به پسر خویش در حالی که او را اندرز می‌داد، گفت: ای پسر! به خدا شرک نیاور، که به راستی شرک ستمی بزرگ است.

والدین وظیفه دارند که اصول اعتقادی را به درستی بیاموزند، و به فرزندانشان آموزش دهند، و برای تربیت فرزندان خود بهتر است از زبان عمل بهره گیرند،

۱- طه، ۱۳۲.

۲- لقمان، ۱۷.

۳- لقمان، ۱۳.

که فصیح‌ترین زبان، زبان عمل است نه این‌که خود به هر کار ناشایستی دست بزنند، و بعد فرزند خود را از آن بر حذر دارند؛ به عنوان مثال: پدر که سیگار می‌کشد، هر چقدر فرزندش را از این امر باز دارد، تأثیری نخواهد داشت. هم‌چنین آیه ۱۶ همین سوره درباره مسئله معاد و بازگشت انسان‌ها و اعمالشان به سوی خداست.

دعای پدر و مادر بیش از هر کس دیگر در حق فرزندان مستجاب می‌شود. بنابر روایات متعدد، خداوند متعال با دعای پدر و مادر، گناهان بسیاری را از فرزندان می‌بخشد؛ از این رو والدین موظفند که در صورت مشاهده آثار پشیمانی و توبه در رفتار و گفتار فرزندان، برای آنان استغفار کرده، و بخشش گناهان آنان را از خداوند متعال بخواهند.

۶- آموزش احکام شرعی

«يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَامْرُؤُا بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ
عَلَى مَا أَصَابَكَ!»

ای پسر! نماز را به پای دار و به کار پسندیده امر کن، و از کار ناپسند و حرام نهی نما، و بر آسیبی که بر تو وارد می‌شود، صبر کن. در این آیه، حضرت لقمان رضی الله عنه فرزندش را با وظایف و احکام فردی و اجتماعی آشنا می‌نماید.

۷- آموزش رفتارها و روحیات صحیح اخلاقی

حضرت لقمان رضی الله عنه در آیات ۱۸ و ۱۹ سوره لقمان، چند نکته اخلاقی مهم را به فرزندش گوشزد می‌کند، و ضرورت مراقبت پدر را نسبت به رفتارها و روحیات اخلاقی فرزندش آشکار می‌سازد.

«وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ * وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ»؛ و از مردم رخ برنتاب، و در زمین خرامان راه نرو، که خداوند خودپسند لافزن را دوست نمی‌دارد. و در راه رفتن خود میانه‌رو باش، و صدایت را آهسته ساز.

۸- مشورت با فرزندان و توجه به دیدگاه‌های آنان

پس از آن‌که حضرت موسی علیه السلام از مجازات فرعون می‌گریزد، و به قریه حضرت شعیب علیه السلام می‌رسد، به دختران آن حضرت در بالا کشیدن آب از چاه کمک می‌کند. آن‌گاه یکی از دختران حضرت شعیب علیه السلام، داستان را برای پدر تعریف می‌کند.

بدین سبب آن حضرت، موسی علیه السلام را به خانه دعوت می‌کند، و سپس با دختران جوان خود مشورت می‌کند، که با این جوان چه رفتاری کنیم؟

قرآن کریم سخن یکی از دختران را چنین نقل می‌کند:

«إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ!»

ای پدر! او را استخدام کن؛ چرا که بهترین کسی است که استخدام می‌کنی، هم نیرومند است، و هم در خور اعتماد است.

حضرت شعیب علیه السلام نیز پیشنهاد دخترش را می‌پذیرد.

این قطعه از داستان، قرآنی نشان می‌دهد که چگونه حضرت شعیب علیه السلام با آن‌که پیامبر بود، و می‌توانست بهترین تصمیم را بگیرد، به دختران خود شخصیت داد و با مشورت آنان، درباره حضرت موسی علیه السلام تصمیم گرفت.

۹- پرهیز از افراط در محبت

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ
وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»؛ ای کسانی که ایمان
آورده‌اید! مبادا اموال و فرزندان، شما را از یاد خدا غافل گرداند، و
هر کسی چنین کند، از زیان‌کاران است.

این آیه، مسلمانان را از محبت و علاقه زیاد به مال و فرزند که از یاد خدا
غافل شوند، برحذر می‌دارد.

دغدغه‌های والدین و انتظارات فرزندان

۱- توجه به آینده فرزندان و امنیت آنها

«وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ
نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ»؛

یاد کن هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا! این شهر را ایمن
گردان، و مرا و فرزندانم را از پرستیدن بت‌ها دور دار.

این آیه نگرانی حضرت ابراهیم علیه السلام را از آینده فرزندانش بیان می‌کند. ایشان از
خداوند برای فرزندان‌شان امنیت، سلامت جسمی و اخلاقی را درخواست می‌کند.

۲- برخورد دوستانه والدین تا حد گفتن اسرار از جانب فرزند به آنها

آیه ۴ سوره یوسف علیه السلام، از روابط بسیار نزدیک و صمیمانه ایشان با پدرش
حکایت می‌کند؛ به گونه‌ای که یوسف علیه السلام خواب عجیب و پر رمز و راز خود
را تنها برای پدرش نقل می‌کند:

۱- منافقون، ۹.

۲- ابراهیم، ۳۵.

«إِذْ قَالَ يُوسُفُ لَا تُثْبِتِهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا
وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ»؛ [یاد کن] زمانی را که
یوسف به پدرش گفت: ای پدر من! [در خواب] یازده ستاره را با
خورشید و ماه دیدم، که برای من سجده می‌کنند.

۳- فراهم آوردن زمینه مناسب برای بازی و گردش فرزندان

هنگامی که برادران حضرت یوسف علیه السلام از پدرشان درخواست می‌کنند، که آن
حضرت را به بازی و گردش ببرند، پدر، آنان را از این کار منع نمی‌کند؛ تنها
نگرانی خودش را از وجود حوادث احتمالی اظهار می‌نماید.^۱
این جملات نشان می‌دهد که حضرت یعقوب علیه السلام به عنوان یک پدر، نسبت
به این حق فرزندش آگاهی داشته، و از آن استقبال کرده است.

۴- امیدوار کردن فرزندان به حل مشکلات

هنگامی که برادران حضرت یوسف علیه السلام ناامیدانه از یافتن آن حضرت و نجات
بنیامین سخن می‌گفتند، و همه چیز را از دست رفته می‌دیدند، حضرت یعقوب علیه السلام
دوباره آن‌ها را به مصر روانه کرد، و از آنان خواست که از رحمت خدا ناامید
نشوند، که ناامیدی از رحمت بیکران الهی، نشانه کفر و ناسپاسی است:

«يَا بَنِيَّ ادْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ
رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»؛

ای پسران من! بروید و یوسف و برادرش را بجوید، و از رحمت خدا
مأیوس نشوید؛ زیرا تنها کافران از رحمت خدا مأیوس می‌شوند.

۱- ر. ک: یوسف، ۱۳-۱۱.

۲- یوسف، ۸۷.

این رفتار پسندیده حضرت یعقوب علیه السلام از وظیفه دایمی پدران در برابر فرزندان خود خبر می‌دهد. وظیفه‌ای که طی آن والدین و به خصوص پدر باید با القای روح امید و کوچک‌نمایی مشکلات، فرزندان خود را در پیمودن راه پرپیچ و خم زندگی یاری رسانند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«وَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ إِسْمَهُ وَيُحَسِّنَ آدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ»؛^۱ حق فرزند بر پدر این است، که: نام نیکو برای او بگذارد، خوب تربیتش کند، و به او قرآن بیاموزد.

تکمله: حقوق مؤمنین نسبت به هم

امام سجاد علیه السلام حقوق فرزندان- برادران و خواهران- را نسبت به یکدیگر چنین بیان می‌نماید:

«أَمَّا حَقُّ أَخِيكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ يَدُكَ الَّتِي تَسْطُرُهَا وَظَهْرُكَ الَّتِي تَلْتَجِيءُ إِلَيْهِ وَعِزُّكَ الَّتِي تَعْتَمِدُ عَلَيْهِ وَقُوَّتُكَ الَّتِي تَصُولُ بِهَا فَلَا تَتَّخِذْهُ سِلَاحًا عَلَى مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَلَا عُدَّةً لِلظُّلْمِ بِحَقِّ اللَّهِ وَلَا تَدْعُ نُصْرَتَهُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَعُونَتَهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَالْحَوْلَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ شَيْطَانِهِ وَتَأْدِيَةَ النَّصِيحَةِ إِلَيْهِ وَالْإِقْبَالَ عَلَيْهِ فِي اللَّهِ فَإِنْ انْقَادَ لِرَبِّهِ وَأَحْسَنَ الْإِجَابَةَ لَهُ وَإِلَّا فَلْيَكُنِ اللَّهُ آثَرَ عِنْدَكَ وَأَكْرَمَ عَلَيْكَ مِنْهُ»؛^۲

اما حق برادر تو این است، که بدانی که او برایت [مانند] دستی است که می‌گشایی، و پشتوانه‌ای است که به آن پناه می‌بری، و عزتی است که به آن تکیه می‌کنی، و نیرویی است که به وسیله آن چیرگی می‌یابی؛

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹.

۲- رساله حقوق.

پس او را وسیله‌ای برای معصیت خدا، و کمکی برای ستم به حق خداوند نگیر، و درباره او کوتاهی نکن، و او را در برابر دشمنش یاری کن، و میان او و شیاطینش فاصله انداز، و او را نصیحت کن، و در راه خدا به او روی آور؛ پس اگر مطیع و فرمانبر پروردگارش بود [با او باش]، و گرنه باید که خداوند در نزد تو محبوب‌تر و بزرگ‌تر از او باشد.

نتیجه‌گیری

با نگاه به آموزه‌های دینی، می‌توان دریافت که دین مقدس اسلام چقدر به سعادت بشر اهمیت می‌دهد. کرامت واقعی انسان در دین مقدس اسلام موج می‌زند، لذا تنها سبک زندگی اسلامی است، که خوشبختی واقعی خانواده را در دنیا و آخرت به صورت توأمان به ارمغان می‌آورد. همین سبک زندگی است، که خانواده اعم از زوجین و فرزندان را سعادتمند می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- رساله حقوق امام سجاد علیه السلام.
- ۴- رساله خوشبختی.
- ۵- صحیح بخاری.
- ۶- صحیح مسلم.
- ۷- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران.
- ۸- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، (۱۴۰۱)، کشف الغمه فی معرفة الأئمة علیهم السلام، بیروت: دارالکتاب الاسلامی.
- ۹- ترضای، یوسف، (۱۳۷۱)، حلال و حرام در اسلام، ترجمه ابوبکر حسن زاده، تهران: چاپ نهضت.
- ۱۰- دیوان اشعار منسوب به حضرت علی علیه السلام، (۱۳۸۳)، به مقدمه و تصحیح سیده مریم روضاتیان، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۱۱- عجلونی جراحی، اسماعیل بن محمد، (۱۴۰۵)، کشف الخفاء ومزیل الألباس عما اشتهر من الأحادیث علی السنة الناس، به تحقیق محمد قلاش، بیروت: مؤسسة الرسالة راشدون.
- ۱۲- قمی، شیخ عباس، (۱۳۵۹)، سفینه البحار و مدینه الاحکام والآثار، تهران: کتابخانه سنایی.
- ۱۳- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
- ۱۴- محدث نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸)، مستدرک وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.